



امیرالمومنین (ع) آیه اکبر حق است / تجلی ولایت حقیقی در پرتو ولایت علوی

رسول گرامی اسلام (ص) علی بن ابی طالب (ع) را سید الاولیاء خواند که در بین اولیای الهی نزدیکترین و حقیقیترین نسبت را با پروردگار عالم داشت و به واقع ظهور ولایت حقیقی در ولایت علوی تجلی پیدا کرده است.

رسول گرامی اسلام (ص) علی بن ابی طالب (ع) را سید الاولیاء خواند که در بین اولیای الهی نزدیکترین و حقیقیترین نسبت را با پروردگار عالم داشت و به واقع ظهور ولایت حقیقی در ولایت علوی تجلی پیدا کرده است.

حجت الاسلام و المسلمین مرتضی جواد آملی، رئیس بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء در گفت و گو با خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، به مناسبت سالروز شهادت امیرالمؤمنین (ع) به بیان نکاتی در باب ولایت علوی پرداخت.

تکاپوی قرآن نازل و قرآن صاعد، در این شبها جواد آملی در ابتدا با اشاره به قرار داشتن در آستانه لیالی قدر، گفت: در این شبها هم قرآن نازل و هم قرآن صاعد که عین هم هستند در تکاپو و رفت آمدند. علی بن ابی طالب (ع) قرآن ناطق است که رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «القرآن مع علی و علی مع القرآن»، از سوی دیگر هم در لیالی گرانقدر قدر قرآن هم نازل می شود.

سید الاولیاء؛ عالیترین لقب علی بن ابی طالب (ع) وی با بیان این که عالیترین لقب مولای متقیان امیرمؤمنان (ع) لقب سید الاولیاست، اظهار کرد: رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «سید اولیاء در سید شهور به شهادت می رسد» و علی بن ابی طالب (ع) سؤال کردند که «سید اولیاء کیست و سید شهور کدام است؟» رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «سید شهور ماه رمضان است و سید اولیاء تو هستی».

معنای سید الاولیاء جواد آملی در تشریح معنای سید الاولیاء بیان کرد: این عالیترین لقب به این معناست که علی بن ابی طالب (ع) در بین اولیای الهی نزدیکترین و حقیقیترین نسبت را با پروردگار عالم داشت و ولایت الهی را با همه عظمتش در وجود خود فراهم آورد و نسبت علی بن ابی طالب (ع) به حق سبحانه و تعالی و اسماء او یک نسبت تام است؛ که فرمود «ما لله آیه اکبر متی» یعنی هیچ آیه و نشانه ای بزرگتر از من در ارائه صورت حق و جلوه ها و شئون حق نیست. فلذا علی بن ابی طالب (ع) طبق بیان رسول گرامی اسلام (ص) عین حق است؛ نه تنها علی با حق است بلکه حق با علی است؛ «علی مع الحق و الحق مع علی». رئیس بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء دلیل این امر را در این دانست که علی بن ابی طالب (ع) ولایت الهی را که همان توحید ناب است، با نهایت حضور امکانی ولایت پذیرفته و یک موحد حقیقی شده است.

ولایت علی بن ابی طالب (ع) همان توحید و ورود به قلعه امن ولایت علوی، ورود به قلعه توحید است جواد آملی در این باب اظهار کرد: گفته شده است که «کلمة لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» یعنی هر که وارد قلعه توحید بشود از عذاب و رنج الهی در امان است و همواره مصونیت خواهد داشت، از نظر علم و عمل. حال، علی بن ابی طالب (ع) که توحید را در عالیترین جلوه آن برای خود فراهم آورد و موحد حقیقی شد، از این جهت، سید اولیاء گردید. پس ولایت علی بن ابی طالب (ع) هم همان توحید است؛ چون علی بن ابی طالب (ع) اولاً از خود تهی شد و ثانیاً جلوه های الهی سراپای هستی او را در گرفت.

وی ادامه داد: بنابراین اگر گفته بشود که «ولاية علی بن ابی طالب (ع) حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» این ولایت همان ولایت توحیدی است که خود علی بن ابی طالب (ع) از ساحت الهی دریافت کرده است. در حقیقت، ولایت علی بن ابی طالب (ع) یک توحید متنزل است که از مرحله عالی تر آن به مرحله دانی تر و نظام طبیعت آمده است. لذا دو حدیث مذکور در عرض هم نیستند که یکی حصن و حصار الهی را توحید معرفی کند و دیگری ولایت علی (ع)، بلکه اینها در طول هم هستند. توحیدی که علی بن ابی طالب (ع) در جان خود نشاند، ولایت حقیقی است و ظهور این ولایت حقیقی در ولایت علوی تجلی پیدا کرده است. لذا اگر کسی وارد قلعه امن ولایت علوی شود، هر آینه وارد قلعه توحید شده است.

امیر مؤمنان (ع) با همه جوامع و دورانها نسبت دارد رئیس بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء در بخش دیگری از این گفت و گو با اشاره به شخصیت امیرالمؤمنین (ع) و با بیان این که این شخصیت نسبت بارزی را با همه اعصار و همه زمانها و همه نسلها دارد، گفت: جنبه های بارز شخصیت امیر مؤمنان (ع) به گونه ایست که ایشان با همه جوامع دارد زندگی می کند؛ زیرا در هر خصلتی و در هر کمالی علی بن ابی طالب (ع) سرآمد است.

وی عنوان کرد: اگر اسم شریف او عالی است، یعنی در همه جلوه‌ها و در همه شئون و کمالات انسانی، از علم و اخلاق و عمل و رفتار شایسته سرآمد است. اگر بحث سیاست و حکومت است علی بن ابی‌طالب(ع) امیر است، اگر بحث مسائل اقتصادی و رعایت مسائل مالی است علی بن ابی‌طالب(ع) امیر و فرمانرواست، اگر بحث حفظ و صیانت از بیت المال اسلامی و جامعه اسلامی است علی بن ابی‌طالب(ع) امیر سرآمد است، اگر بحث عبادت است، اگر بحث اخلاق و فضایل اخلاقی و کمالات انسانی است علی بن ابی‌طالب(ع) امیر است و نمونه بارزی است که دومی ندارد. ولذا منشق از اسم عالی حق است که می‌گوئیم «یا عالی بحق علی».

شناخت امیرالمؤمنین(ع) به اضرار وی

جواد آملی با بیان این‌که برای شناخت بهتر علی بن ابی‌طالب(ع) شناخت دشمنان او هم مناسب است، در ادامه به این موضوع پرداخت و گفت: علی بن ابی‌طالب(ع) خود دشمنانش را و کسانی را که حضرت برای اسلام با آن‌ها به دفاع برخاست در سه جریان از آن‌ها نام می‌برد؛ ناکثین و مارقین و قاسطین.

آشکار شدن حقانیت، صداقت و عدالت‌خواهی امیرالمؤمنین(ع) با شناخت دشمنان او

رئیس بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اِسرائ عنوان کرد: ما اگر بخواهیم علی بن ابی‌طالب(ع) و حقانیت، صداقت و عدالت‌خواهی او را بهتر بشناسیم، جریان‌هایی را باید بشناسیم که در مقابل او صف‌آرایی کرده بودند. این‌ها گروهی با اسلامیت و عدالت علی(ع) مقابله داشتند، گروهی با شبهه علمی به مقابله با ایشان پرداختند و گروه دیگر هم با شهوت عملی و دنیاخواهی و مقام‌خواهی در مقابل او قرار گرفتند.

وی در مورد گروه ناکثین گفت: ناکثین که جنگ جمل را به پا کردند، بدون تردید به دنبال دنیا و مقام بودند و از حضرت مطالبه به ناحق نسبت به مال و بیت المال و مقام و پست و امثال این را داشتند و علی بن ابی‌طالب(ع) چون بر مبنای حق عمل می‌کرد، نمی‌توانست به خواسته‌های نامشروع دنیامداران و مال‌خواهان توجه کند و لذا جنگ جمل را به راه انداختند و افراد نادان را به کار گرفتند تا در مقابل علی بن ابی‌طالب(ع) صف‌آرایی کنند. بنابراین جریانی که در مقابل علی بن ابی‌طالب(ع) بود جریان دنیاگرایان و مال‌اندوزان و مقام‌خواهان بودند که این‌ها موقعیت‌شان در همه اعصار مشخص است و اکنون تاریخ چهره روشنی را از این‌ها به نمایش گذاشته است.

جواد آملی در مورد دسته دوم با اشاره به علت صف‌آرایی آنان در مقابل امیر مؤمنان علی(ع)، بیان کرد: مارقین کسانی هستند که بر اساس جهل عملی یا شهوت عملی از یک سو و شبهه علمی از سوی دیگر در مقابل علی بن ابی‌طالب(ع) قرار گرفتند. این‌ها کسانی هستند که به علی بن ابی‌طالب(ع) گفتند که تو کافر شدی و باید توبه کنی؛ این‌ها کسانی بودند که خودشان را آشناتر از علی بن ابی‌طالب(ع) به دین می‌دانستند. اینان همان کسانی هستند که در فهم مسائل قدرت تشخیص ندارند و راه افراط را می‌روند.

وی افزود: این مسیر متأسفانه استمرار پیدا کرده است و همچنان امروزه در دنیا آتش جهل و جهالت این دسته از افراد دارد. جامعه انسانی و اسلامی را آزار می‌دهد. آن‌چه که الان در عراق دارد اتفاق می‌افتد، آن‌چه که در سوریه و در افغانستان دارد اتفاق می‌افتد و نوعاً در کشورهای اسلامی دارد اتفاق می‌افتد و نماد آن داعش است، این‌ها همان مسیر جهالت و بطالت خوارج را دارند طی می‌کنند که متأسفانه خودشان را به دین نزدیک کرده‌اند و فکر می‌کنند که فهم دین با آن‌هاست. علی بن ابی‌طالب(ع) با این دسته افراد که آن‌ها را مارقین نام می‌دهد مقابله می‌کرد.

وی با اشاره به جریان جنگ صفین و گروهی که از سوی امیرالمؤمنین(ع) به عنوان قاسطین خوانده شدند، گفت: این‌ها کسانی هستند که اصل اسلام را و اصل وحی و رسالت و نبوت و ولایت را و اصل قرآن را قبول نداشتند. همان طور که علی بن ابی‌طالب(ع) در نهج‌البلاغه فرمودند: معاویه اسلام نیاورده است، بلکه اسلام را ظاهر کرده است، یعنی به دروغ و نفاق اسلام را اظهار کرده است اما حقیقتاً اسلام نیاورده است.

جامعه شیعی باید به شئون علی بن ابی‌طالب(ع) مجهز شود

وی افزود: امروزه لازم است که جامعه اسلامی به اخلاق علوی، عدالت‌خواهی علوی و حق‌مداری علوی توجه کند و اگر جامعه ما جامعه شیعی است بایست خود به شئونی که علی بن ابی‌طالب(ع) خودش را به آن شئون مجهز کرده بود، مانند عبادت و بندگی در پیشگاه خدا و شایستگی اخلاقی و محاسن اخلاقی مجهز کند و سعی کند که اسوه خود را علی بن ابی‌طالب(ع) قرار بدهد که از هر طرف شایسته و کریم و عظیم است.